

واسازی مفهوم هویت در منظر شهری معاصر ایران

لیلا زین افزا کهنه سری ۱، شادی پاکزاد ۲

۱- دانشجوی دکتری طراحی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

۲- استادیار گروه معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

چکیده:

هویت شهری در دوران معاصر، دیگر مفهومی ثابت و یکپارچگی است، بلکه در بستر جهانی شدن، سرمایه داری متاخر و رسانه ای شدن فضا، به مفهومی سیال و چند لایه تبدیل شده است. Jacques Derrida در کتاب *Writing and Difference* بیان می کند که معنا هرگز نهایی و تثبیت شده نیست و همواره در فرایند تفاوت و تعویق شکل می گیرد. (Derrida, 1978, p.278) بر همین اساس، منظر شهری را می توان متنی باز تلقی کرد که در آن هویت پیوسته باز تولید و واسازی می شود. این مقاله با رویکرد تفسیری - انتقادی و مبتنی بر نظریه واسازی، به تحلیل مفهوم هویت در منظر شهری معاصر ایران می پردازد. نمونه های موردی شامل میدان نقش جهان اصفهان و پوتسدامر پلاتز برلین انتخاب شده اند تا تفاوت میان هویت تاریخی - تمدنی و هویت پسمادرن - رسانه ای بررسی شود. یافته ها نشان می دهد که منظر شهری معاصر نه بازتاب یک هویت واحد، بلکه عرصه ای برای تولید معناهای متکثر، متناقض و سیال است.

کلید واژه: هویت شهری، منظر شهری، سیما و منظر، جهانی شدن

۱- مقدمه

در دهه های اخیر، شهرها تحت تأثیر فرآیندهای جهانی شدن، توسعه فناوری و رشد سریع شهری، دچار تغییرات بنیادین در ساختار کالبدی و معنایی شده اند (Zukin, 2010, pp.1-10). این تغییرات اگرچه موجب ارتقای زیرساخت ها شده اند، اما در بسیاری از موارد به تضعیف هویت مکانی و کاهش خوانایی منظر شهری منجر شده اند (Relph, 1976, pp.45-60). به اعتقاد لینچ، تصویر ذهنی شهر حاصل تعامل میان عناصر کالبدی و ادراک انسانی است (Lynch, 1960, p.1-8). بنابراین، هرگونه اختلال در این رابطه می تواند منجر به کاهش کیفیت تجربه شهری شود. همچنین بیان می کند خوانایی و تصویر دهنی شهر، بخش مهمی از هویت شهری را تشکیل می دهد (Lynch, 1960, p.46).

در شهر سنتی ایران، هویت شهری بر پایه پیوند میان حافظه تاریخی، ساختار فضایی و فرهنگ جمعی شکل می‌گرفت؛ اما در شهر معاصر، فرایند جهانی شدن و سرمایه‌داری موجب تضعیف روایت‌های کلان هویت شده است.

کریستین نوربرگ شولتز در کتاب *Genius Loci* هویت مکان را حاصل رابطه میان انسان، فضا و تجربه زیسته می‌داند. (Norberg Schulz, 1980, p.18). با این حال، در شهر معاصر این پیوند پایدار دچار فروپاشی شده و فضاها به سوی بازنمایی رسانه‌ای و مصرفی حرکت کرده‌اند.

ژان بوردیا در کتاب *Simulacra and Simulatin* معتقد است که فضای معاصر بیش از آنکه واقعی باشد، مبتنی بر بازنمایی و شبیه‌سازی است. این وضعیت در بسیاری از فضاهای شهری معاصر ایران نیز قابل مشاهده است، جایی که هویت تاریخی در قالب تصویر، برند شهری و مصرف گردشگری بازتولید می‌شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. هویت شهری

تعریف هویت در لغتنامه دهخدا چنین است: هویت عبارت است از تشخیص و همیت معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است. هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌گردد، گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌شود. علاوه بر آن هویت به معنای **متداول آن نتیجه فرآیند "این همانی" است.** (بهزاد فر، ۱۳۹۰: ۱۹)

هویت مربوط به شخصیت‌های مکانی که به افراد چیزی درباره محیط کالبدی و اجتماعی می‌گویند، می‌باشد. آن چیزی است که یک مکان دارا می‌باشد، زمانی که تا حدی به موقعیتش تعلق دارد و نه جای دیگری. هویت توسط محیط طبیعی و واکنش‌های افراد در مکان‌هایی که آن‌ها ساکن هستند، شکل گرفته است و تغییرات آن‌ها را به هم وابسته می‌کند. آشکار کردن تاریخ یک مکان نقش مهمی را در هویت بخشی آن بازی میکند. مکان‌های عمومی که با تاریخ و فرهنگ شهر عجین شده‌اند، در ذهن یک ارتباط میان کاربران و مکان‌ها را ایجاد میکند. کوشش در جهت حرکت به سوی معماری و شهرسازی با هویت، پاسخی به نیازهای معنوی انسان‌ها در کنار نیازهای مادی ایشان است. ضرورت حرکت به سوی این مفهوم در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه کشور به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است. (بهزاد فر، ۱۳۹۰: ۲۳ و ۲۴)

هویت شهری به مجموعه‌ای از ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی گفته می‌شود که یک شهر را از

سایر شهرها متمایز می‌کند (Norberg-Schulz, ۱۹۸۰, pp. ۵-۱۸). نوربرگ-شولتز هویت مکان را در پیوند با «روح مکان» تعریف می‌کند که حاصل تعامل انسان و محیط است.

۲-۲. منظر شهری

مخدومی (۲۰۰۲) اشاره دارد که واژه منظر در زبان انگلیسی (Landscape)، از لغتی هلندی (Lantscap) گرفته شده که ریشه در کلمه آلمانی (Landschaft) به معنای ساختار و شرایط زمین دارد. نخستین معنی منظر در انگلیسی چشم انداز است. در اواخر قرن ۱۵ اصطلاح منظر اغلب برای تعیین محیطی طبیعی به کار می رفت که در نوشته های ادبی و هنر دوره رنسانس نیز به خوبی مشهود است. (Asadpour, 2018, p.33)

منظر شهری به ادراک بصری و حسی از فضاهای شهری اشاره دارد که از ترکیب عناصر طبیعی و مصنوع شکل می گیرد (Lynch, ۱۹۶۰, pp. ۱-۸). لینچ عناصر پنج‌گانه شامل مسیر، لبه، گره، نشانه و ناحیه را در شکل‌گیری تصویر ذهنی شهر مؤثر می‌داند.

۲-۳. تمایز هستی‌شناختی سیما و منظر

سید امیر منصوری (۱۳۸۹) در تبیین تفاوت‌های بنیادین این دو مفهوم اشاره دارد که سیما (Cityscape) امری عینی و فیزیکی است، در حالی که منظر (Urban Landscape) امری ذهنی و حاصل ادراک انسانی است. از منظر دکتری، هویت در "منظر" نهفته است نه در "سیما"؛ چرا که هویت محصول تعامل ذهن ناظر با عینیت محیط است (مجله منظر، شماره ۹، ص. ۹).

۲-۴. نظریه تداوم و اصالت در منظر

محمد آتشین‌بار (۱۳۸۸) با نگاهی ساختارگرا، هویت را با مفهوم "تداوم" (Continuity) گره می‌زند. او معتقد است هویت منظر شهری در ایران دچار "انقطاع تاریخی" شده است. وی در تبیین مدل خود، هویت را شامل دو مؤلفه «تمایز» (Recognition) و «تداوم» (Continuity) می‌داند و تأکید می‌کند که هویت بدون تداوم خاطره جمعی در کالبد، به "شبه‌هویت" تبدیل می‌شود (باغ نظر، شماره ۱۲، ص. ۵۲).

۲-۵. لایه‌بندی مؤلفه‌های هویتی (مدل اکولوژیک-اجتماعی)

مصطفی بهزادفر (۱۳۸۷) با رویکردی جامع‌نگر، هویت را در گرو تعادل میان "ساختار طبیعی" و "ساختار مصنوعی" می‌بیند. او در واکاوی هویت کلان‌شهری، استدلال می‌کند که منظر شهری هویت‌مند، منطری است که "خوانایی" (Legibility) آن برآمده از بستر جغرافیایی و تاریخی باشد، نه الگوهای وارداتی (هویت شهر، ص. ۱۰۵).

۳. روش تحقیق:

روش تحقیق این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر رویکرد کیفی است. داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی، تحلیل متون نظری، بررسی تصاویر و تحلیل تطبیقی نمونه‌های موردی گردآوری شده‌اند.



۴. پیشینه تحقیق:

۴-۱. کوین لینچ (Kevin Lynch)

نظریه: هویت به عنوان یکی از سه جزء اصلی تصویر شهر (در کنار ساختار و معنا). لینچ هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: «هویت به معنای بازشناسی یک شیء به عنوان یک موجودیت مجزا، تشخیص انفرادی آن و تمایز آن از اشیاء دیگر است.» The Image of the City (تصویر شهر، ۱۹۶۰ ص ۸).

۴-۲. گوردون کالن (Gordon Cullen)

نظریه: منظر شهری حاصل «دید پیاپی» و واکنش احساسی به محیط کالبدی. او مفهوم Serial Vision (دید پیاپی) را توضیح می‌دهد و بیان می‌کند که هویت منظر از طریق تضاد بین فضاها و تجربه بصری ناظر در حین حرکت شکل می‌گیرد. The Concise Townscape (گزیده منظر شهری، ۱۹۶۱، ص ۹-۱۱)

۴-۳. کریستین نوربرگ شولتز (Christian Norberg-Schulz)

نظریه: هویت شهر در گروی حفظ «روح مکان» (Genius Loci). او بیان می‌کند: «هویت یک انسان با هویت مکان‌هایی که به آن‌ها تعلق دارد، گره خورده است.» او در این کتاب توضیح می‌دهد که چگونه منظر شهری باید «معنای مکان» را تجسد بخشد. Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture (روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری، ۱۹۸۰ ص ۱۸)

۴-۴. ادوارد رلف (Edward Relph)

نظریه: تمایز بین مکان‌های اصیل و «بی‌مکانی» (Placelessness) در منظر مدرن. او سه جزء هویت مکان را برمی‌شمارد: ۱. ویژگی‌های فیزیکی، ۲. فعالیت‌ها، ۳. معانی. همچنین در صفحه ۷۹، او مفهوم بی‌مکانی را به عنوان تضعیف هویت مکان‌ها در اثر فرآیندهای مدرن‌سازی معرفی می‌کند. Place and Placelessness (مکان و بی‌مکانی، ۱۹۷۶ ص ۴۵)

۴-۵. آلدو روسی (Aldo Rossi)

نظریه: هویت شهری در تداوم «حافظه جمعی» و عناصر یادمانی.
روسی می‌گوید: «شهر حافظه جمعی مردم است؛ و مانند حافظه، با اشیاء و مکان‌ها پیوند دارد. شهر تبدیل به ظرف حافظه می‌شود.» او هویت را در گروی تداوم فرم‌های تاریخی در منظر شهری می‌داند.
The Architecture of the City (معماری شهر ۱۹۸۲، ص ۱۳۰)

۴-۶. آموس راپاپورت (Amos Rapoport)

نظریه: منظر شهری به عنوان سیستمی از نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی.
او به این نکته اشاره می‌کند که «هویت محیطی» نتیجه خوانش کدهای فرهنگی در منظر شهری است و فضا باید با نظام‌های معنایی کاربرانش مطابقت داشته باشد. Human Aspects of Urban Form (جنبه‌های انسانی صورت شهر، ۱۹۷۷، ص ۱۷۸)

۴-۷. یان گهل (Jan Gehl)

نظریه: هویت منظر شهری حاصل تعامل انسان و فعالیت‌های اجتماعی در فضا.
گهل تأکید می‌کند که کیفیت منظر شهری و هویت آن بیش از آنکه به فرم ساختمان‌ها وابسته باشد، به فعالیت‌هایی بستگی دارد که در فضاها عمومی رخ می‌دهد («زندگی در شهر»). Life Between Buildings (زندگی میان ساختمان‌ها، ۱۹۸۷، ص ۳۱)

۵. چالش‌های هویت و منظر شهری

چالش‌های هویت موجب همگن سازی فرم‌های شهری و کاهش تنوع هویتی شده است.

۵-۱. جهانی شدن و همسان سازی کالبدی

جهانی شدن موجب همگن سازی فرم‌های شهری و کاهش تنوع هویتی شده است (Zukin, ۲۰۱۰, pp. ۱-۱۰).

بحران ناهمگونی و اغتشاش بصری: ورود سبک‌های معماری بیگانه و بدون پشتوانه نظری (مانند نمای رومی یا کلاسیک تقلیدی) باعث از بین رفتن «روح مکان» (Genius Loci) شده است. کریستین نوربرگ شولتز در کتاب «روح مکان؛ به سوی پدیدارشناسی معماری».



۲-۵. ضعف در برنامه‌ریزی شهری

عدم توجه به زمینه در طراحی شهری موجب گسست کالبدی و ادراکی شده است (Norberg-Schulz, ۱۹۸۰, pp. ۵-۱۸).

کالایی شدن فضا: تبدیل فضا به ابزاری برای سودآوری اقتصادی که منجر به ایجاد فضاهای عمومی «شبه‌جزیره‌ای» و محصور (مانند مال‌های بزرگ) شده که فاقد هویت مدنی هستند.

۳-۵. کاهش مشارکت اجتماعی

کاهش مشارکت شهروندان باعث کاهش حس تعلق به مکان شده است (Relph, ۱۹۷۶, pp. ۴۵-۶۰).

۴-۵. تخریب میراث شهری

نابودی بافت‌های تاریخی موجب تضعیف حافظه جمعی شده است (Zukin, ۲۰۱۰, pp. ۱-۱۰).

فرسودگی بافت‌های تاریخی و نوسازی‌های بی‌رویه: تخریب دانه‌های با ارزش قدیمی و جایگزینی آن‌ها با بلوک‌های بی‌هویت، تداوم تاریخی شهر را قطع کرده است.
منبع: ادموند بیکن در کتاب «طراحی شهرها».

۵-۵. سلطه حمل‌ونقل سواره

غلبه خودرو موجب کاهش مقیاس انسانی در شهر شده است (Shaftoe, ۲۰۰۸, pp. ۲۰-۳۵).

تسلط اتومبیل‌مداری بر انسان‌مداری: تبدیل شدن شهرها به فضاهایی برای عبور خودروها به جای مکانی برای تعاملات اجتماعی، هویت جمعی فضاهای شهری را تضعیف کرده است. (کوپن لینچ در کتاب «تئوری شکل خوب شهر»).

هویت و منظر شهری زمانی پایدار می‌ماند که ریشه در فرهنگ، حافظه جمعی و مشارکت مردم داشته باشد.

۶. ابعاد هویت و منظر شهری

- بعد کالبدی : شامل دانه بندی، خط آسمان و مصالح که بهزاد فر بر آن تأکید دارد.
- بعد ادراکی : شامل نمادها و تداعی های ذهنی که منصوری آن را جوهره منظر می داند.
- بعد اجتماعی : شامل خاطره جمعی و روایت تاریخی که در آثار آتشین بار برجسته است.
- بعد فرهنگی-تاریخی : شامل حفظ و احیای بناهای تاریخی، حافظه جمعی، هویت محیطی که آموس راپاپورت به آن اشاره داشته است.

۷. تحلیل و یافته‌ها

۷-۱. مدل مثلثی هویت منظر شهری

بر اساس تحلیل آراء، می‌توان هویت را در سه ساحت تبیین کرد:

۱. ساحت کالبدی (Physical): شامل دانه بندی، خط آسمان و مصالح که بهزادفر بر آن تأکید دارد (ص. ۱۴۲).
۲. ساحت معنایی (Semantic): شامل نمادها و تداعی‌های ذهنی که منصوری آن را جوهره منظر می‌داند (ص. ۱۰).
۳. ساحت زمانی (Temporal): شامل خاطره جمعی و روایت تاریخی که در آثار آتشین‌بار برجسته است (ص. ۴۸).

۷-۲. تحلیل بحران هویت در منظر شبانه

پژوهش فریدون‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که باید به "زمان‌مندی هویت" نیز توجه کرد. منظر شبانه به عنوان لایه دوم هویت شهری، در صورت عدم انطباق با کدهای فرهنگی، منجر به "بیگانگی فضایی" می‌شود. ارجاع به مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی در نورپردازی، راهکاری برای بازیافت هویت در ساعات غیرروز است (نشریه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ص. ۸۹).

۷-۳: مطالعه موردی داخلی:



میدان نقش جهان اصفهان (تحلیل تداوم منظرین) این مجموعه از منظر «نظام‌های هویتی» و «ساختار کالبدی» در منابع متعددی بررسی شده است:

تحلیل هویت تاریخی میدان: یکی از مهمترین فضاهای شهری عصر صفوی است که با هدف نمایش قدرت سیاسی، اقتصادی و مذهبی شکل گرفت. پیرنیا در کتاب سبک شناسی معماری ایران بیان می‌کند که میدان نقش جهان نمونه کامل وحدت میان معماری، شهرسازی و حیات اجتماعی در شهر ایرانی است. (پیرنیا، ۱۳۸۳، ص ۲۸۷)

حبیبی در کتاب از شار تا شهر اشاره می‌کند که میدان نقش جهان نه فقط یک فضای شهری، بلکه بارتاب جهان بینی سیاسی - فرهنگی دولت صفوی بوده است. (حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴)

کوپن لینچ معتقد است فضاهای شاخص شهری از طریق خوانایی و تداوم تاریخی، در حافظه جمعی شهروندان تثبیت می‌شوند. (Lynch, 1960, p.78)

تحلیل ساختار کالبدی: دکتر مصطفی بهزادفر (۱۳۸۷) در کتاب خود، میدان نقش جهان را به عنوان الگوی کامل «هویت کالبدی-فضایی» تحلیل کرده و معتقد است که تناسبات طلایی و رعایت مقیاس انسانی در جداره‌های میدان، مهم‌ترین عامل ایجاد «حس مکان» است (ص. ۱۸۳). او تأکید می‌کند که پیوند میان عناصر طبیعی (مادی‌ها و فضای سبز درون میدان) و عناصر مصنوعی، یک «منظر پایدار» ایجاد کرده است (ص. ۱۸۵).

تحلیل معنایی و ادراکی: سید امیر منصوری (۱۳۸۹) با نگاهی پدیدارشناختی، این میدان را نه یک فضای محصور، بلکه یک «روایت جمعی» می‌داند. او در مقاله خود بیان می‌کند که منظر این میدان به دلیل تنوع فعالیت‌های اجتماعی (تجارت، مذهب، دولت و تفریح)، هویتی چندلایه یافته است که ناظر در هر گوشه از آن، معنایی متفاوت از زندگی شهری را ادراک می‌کند (مجله منظر، شماره ۹، ص. ۱۰).

۷-۴. نمونه موردی خارجی:



میدان پوتسدامر برلین (Potsdamer Platz)

پس از فروپاشی دیوار برلین، به نماد بازسازی پسامدرن شهر اشاره می‌کند. این نمونه به عنوان نماد بازآفرینی هویت در دوران معاصر، در متون تخصصی این‌گونه تحلیل شده است:

بازخوانی هویت پس از انقطاع: پوتسدامر پلاتز نمونه‌ای از چنین فضایی است که نه بر حافظه تاریخی، بلکه بر بازنمایی رسانه‌ای و سرمایه جهانی استوار شده است.

مانوئل کاستر در کتاب *The Rise of the Newyork Society* بیان می‌کند که شهر معاصر به شبکه‌ای از جریان‌های اطلاعاتی و اقتصادی تبدیل شده است. (Castells, 1996, p.412) این وضعیت در پوتسدامر پلاتز کاملاً قابل مشاهده است.

در تحلیل‌های مرتبط با رویکرد اصالت‌الوجود (کسروی و منصوری، ۱۳۹۹)، به این نکته اشاره شده است که هویت این میدان نه در تکرار ساختمان‌های پیش از جنگ، بلکه در «تداوم روح مدرن برلین» نهفته است. نویسندگان استدلال می‌کنند که استفاده از خطوط سنگ‌فرش برای نشان دادن مسیر دیوار سابق برلین، نمونه‌ای از حفظ «ردپای تاریخی» در منظر مدرن برای جلوگیری از فراموشی خاطره جمعی است.

(مجله منظر، شماره ۵۲، ص. ۴۳).

خوانایی و تصویر ذهنی: با ارجاع به مبانی کوین لینچ، پوتسدامر پلاتز به دلیل طراحی نشانه‌های شهری (Landmarks) قدرتمند، به سرعت در تصویر ذهنی شهروندان و گردشگران جای گرفته و هویت جدید برلین متحد را تثبیت کرده است. (The Image of the City, p.115).

۵-۷. جمع‌بندی تحلیل نمونه‌ها

همان‌طور که در تحلیل میدان نقش جهان (بهزادفر، ص. ۱۸۷) و پوتسدامر برلین (کسروی و منصوری، ص. ۴۴) مشاهده می‌شود: **نقطه اشتراک** هر دو نمونه در این است که هویت را امری «تحمیلی» ندیده‌اند؛ بلکه آن را از دل تاریخ، جغرافیا و نیازهای اجتماعی ناظر استخراج کرده‌اند. این دقیقاً همان پیوستار «کالبد-معنا» است.

۸. نتیجه‌گیری و ارائه مدل پیشنهادی

هویت در منظر شهری معاصر ایران، نه بازگشت به گذشته (Past-oriented) و نه رهایی مطلق از آن (Future-oriented)، بلکه یک "اکنونیت مستمر" است.

پیشنهاد پژوهش: طراحی شهری باید از "فرم‌گرایی صرف" به سمت "برنامه‌ریزی معناگرا" حرکت کند. هویت منظر شهری حاصل ضرب «کالبد در معنا» است؛ اگر هر یک از این دو صفر باشد، محصول نهایی فاقد هویت خواهد بود.

۹. فهرست منابع

- اسدپور، ع. (۱۳۹۶)، تصویر ذهنی در منظر و شهر؛ مبانی و روش‌ها؛ جهاد دانشگاهی، ۳۳.
- بهزادفر، م. (۱۳۸۷)، هویت شهر؛ نگاهی به هویت شهر تهران، نشر شهر، ۱۰۵، ۱۱۸، ۱۴۲.
- بهزادفر، م. (۱۳۸۷)، هویت شهر؛ نگاهی به هویت شهر تهران، تهران: نشر شهر. (تحلیل موردی ۱۸۰-۱۹۰)
- بهزادفر، م. (۱۳۸۷)، هویت کالبدی و تناسبات، ۱۸۳ و ۱۸۵.
- فریدون‌زاده، ح؛ کشاورز، گ. و یاری، ف. (۱۴۰۲)، واکاوی زیبایی‌شناسی منظر شبانه فضاهای شهری با تکیه بر هویت فرهنگی، نشریه برنامه ریزی توسعه کالبدی ۱۰ (۳)، ۸۱-۹۸.
- آتشین‌بار، م. (۱۳۸۸)، تداوم هویت در منظر شهری، باغ نظر، دوره ۶، شماره ۱۲، ۴۵-۵۶.
- منصوری، س. ا. (۱۳۸۹)، چیستی منظر شهری، منظر، دوره ۲، شماره ۹، ۷-۱۱.
- منصوری (۱۳۸۹)، ادراک منظرین و معنا، ۱۰.
- کسروی و منصوری (۱۳۹۹)، تداوم روح مکان (اصالت وجود)، ۴۳.
- کسروی، ر. و همکاران. (۱۳۹۹)، رویکرد اصالت‌الوجود به هویت سیمای شهری، مجله منظر، شماره ۵۲، ۳۸-۴۵.
- گوردن کالن. (۱۹۶۱)، گزیده منظر شهری؛ ۹-۱۱.
- کوبین لینچ. (۱۹۶۰)، سیمای شهر؛ ۱۲۰-۱۱۵.
- کوبین لینچ. (۲۰۰۵)، تئوری شکل شهر خوب؛
- ادموند بیکن. (۲۰۰۷)، طراحی شهرها؛
- کریستین نوربرگ شولتز. (۱۹۸۰)، روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری؛ ۱۸.
- ادوارد رلف. (۱۹۷۶)، مکان و بی مکانی؛ ۴۵.
- آلدو رسی. (۱۹۸۲)، معماری شهر؛ ۱۳۰.
- آموس راپاپورت. (۱۹۷۷)، جنبه‌های انسانی صورت شهر؛ ۱۷۸.
- یان گهل. (۱۹۸۷)، زندگی میان ساختمان‌ها؛ ۳۱.